

اشکال و جواب در شبهه‌های موضوعیه

ما می‌گوییم:

۱. چنانکه دیدیم مرحوم سید (و سایر محشین) در شبهه‌های موضوعیه، اصل را بر طهارت قرار داده‌اند و جریان اصل را متوقف بر لزوم فحص نکرده‌اند

۲. اما مرحوم صاحب جواهر در شبهات موضوعیه، تفصیلی را مطرح کرده است:

«أن مجهول الحال من الحيوان الذي لم يدر انه من ذى النفس أو لا يحكم بطهارة فضليته حتى يعلم أنه من ذى النفس، للأصل و استصحاب طهارة الملاقى و نحوه، أو يتوقف الحكم بالطهارة على اختباره بالذبح و نحوه، لتوقف امتثال الأمر بالاجتناب عليه، و لأنه كسائر الموضوعات التي علق الشارع عليها أحكاماً كالصلاة للوقت و للقبلة و نحوهما، أو يفرق بين الحكم بطهارته و بين عدم تنجسه للغير، فلا يحكم بالأول إلا بعد الاختيار بخلاف الثاني، للاستصحاب فيه من غير معارض، و لأنه حينئذ كما لو أصابه رطوبة متردة بين البول و الماء؟ وجوه لم أعر على تنقيح لشيء منها في كلمات الأصحاب.»^۱

توضیح:

۱. درباره بول و خرد «حیواناتی که نمی‌دانیم دارای نفس سائله است یا نیست» [مثلاً خفاش بر اساس تردید مرحوم خوئی]، احتمالی مطرح است:

۱. جواهر الکلام (ط-القدیمه)، ج ۵، ص ۲۸۹



۲. یک) اصل طهارت، خراء و بول را طاهر می‌داند و استصحاب طهارت ملاقی هم ملاقی با خراء و بول آن حیوان را طاهر می‌داند.

دو) ابتدا باید فحص کرد و اگر بعد از فحص، باز هم معلوم نشد، حکم به طهارت خراء و بول و ملاقی با آنها می‌کنیم (چرا که این هم مثل سایر موضوعاتی است که شارع حکم خود را بر آن مقرر کرده است و باید آنها را احراز کرد. و لذا وقتی شارع گفته است: «از خراء و بول حرام گوشت ذی النفس السائلة اجتناب کن» اطاعت این امر احتیاج دارد که بازشناسی موضوع آن صورت پذیرد.

سه) اصل طهارت، در خراء و بول جاری نمی‌شود مگر بعد از فحص، ولی استصحاب طهارت در ملاقی با آنها حتی بدون فحص هم جاری می‌شود. چرا که:

اولاً: استصحاب طهارت در مورد ملاقی جاری است و معارضی هم ندارد (ولی اصالة الطهارة همان مشکل مطرح شده را دارد، یعنی «امر به اجتناب از خراء و بول» مانع از جریان آن می‌شود) ثانیاً: این ملاقی مثل ملاقی با رطوبت مردد بین بول و ماء است (که استصحاب طهارت در آن بی‌مشکل است)

ما می‌گوییم:

مرحوم خوئی در پاسخ صاحب جواهر به اشکالی که برای جریان اصالة الطهارة در قسم دوم و سوم مطرح شده است، اشاره کرده و از آن پاسخ می‌دهد:

«و لكن الصحيح عدم اعتبار الفحص في المقام نظير غيره من الشبهات الموضوعية لإطلاق الدليل أعني قوله (عليه السلام) «كل شيء نظيف...» و أمّا القبلة و الوقت و أمثالهما فقياس المقام بها قياس مع الفارق، لأنها من قيود المأمور به و التكليف فيها معلوم، و التردد في متعلقه فلا بدّ فيها من الاحتياط، و أمّا النجاسة في مدفوعی ما لا يؤكل لحمه فهي حكم انحلالی، و لكل فرد من أفرادهما حكم مستقل، و هي كغيرها من الأحكام الشرعية مجعولة على نحو القضايا الحقيقية التي مرجعها إلى قضايا شرطية مقدمها وجود موضوعاتها كالبول و الخراء في المقام و تاليها ثبوت محمولاتها، و عليه فإذا وجد في الخارج شيء و صدق عليه أنه بول ما لا يؤكل لحمه فيترتب عليه حكمه. و أمّا إذا شككنا في ذلك و لم ندر أنه بول ما لا يؤكل لحمه، فلا محالة نشك في نجاسته و هو من الشك في أصل توجه التكليف بالاجتناب عنه، و غير راجع إلى الشك في المكلف به



مع العلم بالتكليف، لأن العلم بالحكم فى بقية الموارد لا ربط له بالحكم فى مورد الشك، فلا وجه معه للزوم الاحتياط قبل الفحص، هذا.^۱

توضیح:

۱. در روایاتی نظیر روایت عمار سبابی:

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ نَظِيفٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ قَذَرٌ فَإِذَا عَلِمْتَ فَقَدْ قَذَرٌ وَمَا لَمْ تَعْلَمْ فَلَيْسَ عَلَيْكَ»^۲

۲. در چنین روایاتی، جریان اصالة الطهارة مطلق است و هم قبل از فحص را شامل می شود و هم بعد از فحص را.

۳. اما قیاس قبله و وقت که باید در مورد آنها فحص کرد، (اگرچه شبهه موضوعیه هستند) با ما نحن فيه، قیاس مع الفارق است چرا که:

۴. آنها قید مأمور به هستند (و لذا شک در مکلف به است یعنی می دانیم نمازی واجب است ولی نمی دانیم به کدام طرف) ولی در ما نحن فيه (وجوب تطهیر از بول ما لا نفس له؛ که در این موارد تا احراز ما لا نفس له نشده است اصل تکلیف یعنی وجوب تطهیر معلوم نیست) شک در اصل تکلیف است.

^۱. التنقيح، ج ۲، ص ۴۰۵

^۲. وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۶۷، ح ۴۱۹۵